دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ۵، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷

ترجمه‌پذیری تعابیر تشبیهی و استعاری در قرآن‌کریم با تکیه بر ترجمه‌های فرانسوی حمیدالله و کازیمیرسکی

ثریا غفارزاده[1]*، ناهید جلیلی مرند[2]

۱-کارشناس ارشد مترجمی زبان فرانسه، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران
۲-دانشیار گروه فرانسه، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳ **پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۹**

چکیده

"تشبیه" و "استعاره" دو آرایه ادبی هستند که ترجمه آنها همواره مشکل می‌نماید؛ چراکه اساس ارتباط آنها همانند ارتباط میان دو موجود است. از آنجاکه مضامین فرهنگی در "تشبیه" و "استعاره" وروابط بین آن دو لزوماً در زبان مقصد به مانند زبان مبدأ نیست، از این رو به نظر می‌رسد این رابطه باید به گونه‌ای در ترجمه انعکاس یابد. در این پژوهش ابتدا ترجمه "تشبیه" و "استعاره" مورد مطالعه قرار گرفته، سپس با نگاهی بر دو ترجمه فرانسوی قرآن از محمد حمیدالله و آلبرت کازیمیرسکی، چگونگی ترجمه‌پذیری "تشبیه‌ها" و "استعاره‌های" موجود در آیات انتخابی ،به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. از ازاهداف این بررسی ،مطالعه روش‌های مختلف در ترجمه این آرایه‌ها در قرآن‌کریم است. در چهارچوب این مقاله، از میان آیات ، ۱۰ آیه به عنوان نمونه آورده شده است که برآیند پژوهش نشان می‌دهد که دو مترجم از شیوه‌های گوناگون ترجمه در جهت تلاش برای حفظ معانی عظیم قرآن، بیش‌تر شیوه تحت اللفظی را در انتقال دو آرایه به کار برده‌اند تا صورت نیز علاوه بر معنی حفظ شود اما در مواجهه با آیات دارای عناصری با بار فرهنگی به توضیحات نیز روی آورده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، ترجمه، تشبیه، استعاره، حمیدالله، کازیمیرسکی

*نویسنده مسئول مقاله: Email:sorayagh2017@yahoo.com

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

۱-مقدمه

ترجمه‌پذیری قرآن‌کریم همواره بحث برانگیز بوده، به‌ویژه در باب ترجمه آرایه‌های ادبی که در آن به وفور مشاهده می‌شود. ترجمه آرایه‌های ادبی، به‌ویژه "استعاره" و "تشبیه"، در متون مذهبی از مسائل مهم ترجمه بوده است. در واقع این آرایه‌ها بر پایه ارتباط میان دو موجود یا دو شیء، حاوی مفاهیم فرهنگی، در زبان مبدأ استوار است و درک آن به شناخت فرهنگ آن زبان برمی‌گردد. این امکان نیز وجود دارد که ارتباط ذکر شده میان دو موجود در زبان مقصد وجود نداشته باشد. بنابراین ترجمه "استعاره" و "تشبیه"، باید بتواند این ارتباط را به خواننده منتقل کند. نکته‌ای که در خصوص قرآن‌کریم از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا خداوند از بیان هر واژه‌ای، هدفی داشته تا نهایتاً به هدایت انسان بیانجامد. در پژوهش حاضر، آیاتی از قرآن که دارای "استعاره" و "تشبیه" هستند در دو ترجمه فرانسوی از محمد حمیدالله[1] و آلبرت کازیمیرسکی[2] انتخاب کرده و به مطالعه آن‌ها می‌پردازیم. برآنیم تا روش‌های هریک از دو مترجم در انتقال این آرایه‌ها را به صورت مقایسه‌ای بررسی کرده و پاسخی در خور، برای دو پرسش زیر بیابیم:

– چگونه می‌توان "استعاره‌ها" و "تشبیه‌های" قرآن را با حفظ زیبایی‌های کلام الهی و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی موجود ترجمه کرد؟

– آیا حمیدالله و کازیمیرسکی در ترجمه آرایه‌ها توانسته‌اند اهداف والای خداوند از آوردن این آرایه‌ها را منتقل کنند؟

فرضیه‌های ما در ابتدا بدین قرار است:

در ترجمه "تشبیه" و "استعاره"، از آنجا که شیوه‌ها و نظریه‌های گوناگونی وجود دارد، مترجمان شیوه‌های متفاوت در ترجمه به کار بسته‌اند و تلاش نموده‌اند ترجمه‌ای صحیح ارائه دهند، تا علاوه بر انتقال صورت آرایه، مفاهیم والای آیات نیز به خواننده منتقل گردد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

۲-پیشینه پژوهش

آرایه‌های ادبی قـرآن و بـالاخص "اسـتعاره" و "تشـبیه"، از دیربـاز موضـوع پژوهش‌هـای فراوانی بوده است.

مطالعه ترجمه "استعاره"، به عصر عبدالقاهر جرجانی از نخستین پایه‌گذاران علـم معـانی و بیان، مربوط می‌شود که اولـین بـار در کتـاب خـود بـا عنـوان «اسـرارالبلاغه»، از ترجمـه "استعاره"، به عنوان مبحثی اساسی در نظریه‌ها سخن گفته است.

سید قطب هم، صاحب آثار بسیاری در باب اعجاز زبـانی و آرایـه‌های ادبـی و از جملـه تصاویر هنری قرآن‌کریم است که از میان آنها می‌تـوان بـه کتـاب «تصـویرپردازی هنـری در قرآن»، اشاره کرد.

عبدالسلام احمد الراغب هـم، در کتـاب «کـارکرد تصـویر هنـری در قـرآن»، آرایـه‌ها و تصاویر قرآن را به همراه توضیح مفصل، در باب کارکرد و اهداف هریک، مورد مطالعه قـرار داده است.

ژاک برک[3] اندیشمند غربی و مترجم قرآن به زبان فرانسوی هم، سـعی داشـت در کتـاب خود با عنوان «بازخوانی قرآن[4]»، به اعجاز نظم و زمان و حکمت در قرآن بپردازد.

از جمله مقالات فراوان نیز، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

«چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرآیند ترجمه»، نوشـته رضـا امـانی و یسـرا شادمان، «مؤلفه‌های تصویر هنـری در قـرآن»، از سـید حسـین سـیدی، «جلوه‌هـایی از هنـر تصویرآفرینی در قرآن»، از حمید محمد قاسمی، «استعاره در قـرآن و دشـواری ترجمـه آن»، نوشته یعقوب جعفری، که هریک به مقوله آرایـه‌ها در قـرآن پرداخته‌انـد. امـا مقالـه پیشـرو ترجمه آرایه‌ها را به طور ویژه در دو ترجمه فرانسوی قرآن بررسی می‌کند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

۳-شیوه پژوهش

شیوه پژوهش نگارندگان در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است. در قسمت نظریه‌های ترجمه، به تفصیل، به آراء نظریه‌پردازان به نامی همچون، عبدالقاهر جرجانی، میلدرد. ال. لارسون[۵] و پیتر نیومارک[۶]، در باب شیوه‌های ترجمه "استعاره" و "تشبیه" پرداخته‌ایم و در تحلیل ترجمه‌ها نیز به این نظریه‌ها استناد کرده ایم.

۴-ابزار پژوهش

از آنجا که این نوع پژوهش به دلیل پرداختن به کلام الهی، امری خطیر و حساس بوده، به جهت به دست آوردن نتایجی هر چه دقیق‌تر و مستندتر، لازم است که از ابزارهایی مناسب بهره گرفته شود. از این رو برای فهم بهتر معنای آیه‌ها، تفسیرهایی همچون تفسیر المیزان ، نسخه فرانسوی تفسیر ابن کثیر، فی ظلال القرآن سید قطب، تفسیر نور، تفسیر نمونه و ترجمه فارسی قرآن محمد مهدی فولادوند را مطالعه و ذیل هر آیه خلاصه‌ای از جمع‌بندی این منابع را اضافه کرده‌ایم. برای یافتن معنای واژگان عربی در آیه‌ها و ریشه آنها به کتاب المفردات راغب اصفهانی مربوط به سده ششم هجری و همچنین فرهنگ لغت عربی-فارسی المورد مراجعه کرده‌ایم. سپس معادل این واژگان در ترجمه‌های حمیدالله و کازیمیرسکی را در فرهنگ لغت فرانسه لاروس[۷] جستجو کردیم تا به مقایسه‌ای درست و جامع از دو ترجمه دست یابیم.

۵-تشبیه و استعاره در ترجمه

۵-۱- تعریف تشبیه و استعاره

"استعاره" یکی از پربسامدترین آرایه‌های مورد استفاده در متون ادبی است که در قالب اسم، فعل، صفت و قید به‌کار می‌رود. متون مذهبی که در نوع خود، متونی در بالاترین سطح ادبی به‌شمار می‌روند، مملو از تعابیر استعاری‌اند؛ ترنس هاوکس[۸]، در کتاب خود با

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

عنوان "استعاره"[9]، می‌نویسد: «تفاوت یک متن ادبی با متنی غیر ادبی، حضور برخی آفرینش‌های هنری در این متون است.» وفور این آفرینش‌های هنری را می‌توان در قرآن‌کریم مشاهده کرد؛ چراکه اثر این آفرینش‌ها را بر مخاطب می‌توان دید. اما نکته مهم این است که قرآن تمام ابزارها و آرایه‌ها را در جهت اهدافی والا به کار برده است؛ از جمله فهماندن بهتر مفاهیم و شناخت بالاتر انسان، میان پدیده‌های مجزا از یکدیگر و تسهیل در تشکیل سلسله معانی و تعابیر.

شایسته است قبل از بررسی و تحلیل این آرایه‌ها در آیات قرآن، تعاریفی برای هریک ارائه دهیم. هاوکس، در ادامه، استعاره را این‌گونه تعریف می‌کند: «واژه métaphore به معنای استعاره، از واژه یونانی metaphora گرفته شده و به معنای "فرا بردن" است. مقصود از این واژه، دسته خاصی از فرآیندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر "فرابرده" یا منتقل می‌شوند، به نحوی که از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است. هدف این انتقال، دست‌یافتن به معنایی جدیدتر، وسیع‌تر، خاص یا دقیق‌تر است. "استعاره" اصلی‌ترین شکل زبان مجازی است؛ زبانی که مقصودش همان نیست که می‌گوید. صورت‌های مختلف "انتقال" را صناعات ادبی یا انواع مجاز می‌نامند؛ یعنی "چرخش‌ها"ی زبان از معانی حقیقی به سوی معانی مجازی. در "استعاره" فرض می‌شود که انتقال امکان‌پذیر است. (مثال: "کلاه اتومبیل")، اما "تشبیه" انتقال را پیشنهاد می‌کند و با استفاده از اداتی از قبیل "مانند"، "همچون" یا "گویی"، آن را توضیح می‌دهد. مثال: "این ورقه فولاد طوری موتور اتومبیل را پوشانده که گویی کلاهی است که سرِ زنی را پوشانده است» (هاوکس، ۱۹۹۹: ۱۰).

فرهنگ لاروس (۲۰۱۱)، آرایه "تشبیه" را این‌گونه تعریف می‌کند: «واژه comparaison به معنای تشبیه، از واژه یونانی comparatio گرفته شده که به معنی "عمل با هم جفت کردن و کنار هم گذاشتن و یا متصل کردن"، است که این عمل ربط دادن دو واقعیت، به وسیله واژه‌ای انجام می‌گیرد که "ادات تشبیه" خوانده می‌شود. دو امر یا دو واقعیت را به هم

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]
[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نزدیک می‌سازیم به گونه‌ای که تمرکز توجه به سمت تشابه میان آن دو چیز یعنی همان نقطه اشتراک و یا کاملاً برعکس نقطه تضاد باشد. "تشبیه" دارای چهار رکن است: مشبه، مشبه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه. از میان این چهار رکن، ادات تشبیه و وجه شبه، قابل حذف‌اند؛ اما دیگر ارکان تشبیه را که در اصطلاح، طرفین تشبیه هستند، نمی‌توان حذف کرد. ادات تشبیه در قالب حرف اضافه، اسم و یا فعل نمایان می‌شود. برای مثال در زبان عربی حروف کَ و کَاَنَّ از پربسامدترین ادات تشبیه‌اند. از میان دلائلی که ما را به سوی کاربرد "تشبیه" در متن سوق می‌دهد، تلاش برای دعوت از مخاطب به مشاهده چیزی است که توضیحش دشوار می‌نماید. برخلاف "استعاره"، "تشبیه" صریحاً و به طور مستقیم رابطه نمادین میان دو واقعیت مورد "تشبیه" را بیان می‌کند.»

۶- نظریه‌های ترجمه تشبیه

آنچه در باب ترجمه قرآن‌کریم باید گفت، این است که این کتاب به زبان عربی نازل شده ولی منحصر به دنیای عرب زبان نبوده و پیامی برای تمامی بشریت است. نویسنده و فرستنده این پیام، خداوند متعال و گیرنده و خواننده آن انسان است. از این‌رو به جهت ارائه ترجمه‌ای هرچه بهتر از این اثر ادبی و آرایه‌های آن، لازم است در این خصوص، روش و نظریه‌هایی متناسب، با کمال دقت برگزیده شوند؛ تا پیام به درستی به خواننده منتقل گردد. بوآکلر[۱۰]، در رساله خود، خیانت یا وفاداری و اثر آن بر خواننده ترجمه متن ادبی[۱۱] آنجا که از تاثیر متن ترجمه سخن می‌گوید، به وفاداری نیز اشاره می‌کند: «در ترجمه متون ادبی، وفاداری به نویسنده بسیار با اهمیت است؛ لیکن نباید از نظر دور داشت که هدف نویسنده ایجاد اثر در خواننده است؛ امری که ما را باز به سمت وفاداری نسبت به خواننده سوق می‌دهد» (بوآکلر، ۱۹۹۸: ۵).

لارسون در کتاب خود می‌گوید: «ترجمه، شامل انتقال بدون کاستی معنا، از زبان اصلی به زبان مقصد است و دیگر این‌که، آنچه در این میان حفظ می‌شود، معناست؛ در صورتی که شکل زبان‌شناختی، متحمل تغییراتی مهم می‌شود» (لارسون، ۱۹۹۸: ۳۵).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

لارسون در کتاب خود، با عنوان «ترجمه براساس معنا[12]»، نـوعی از روش متناسـب را در مورد جنبه معنایی ترجمه، ارائه می‌دهد. در این اثر، لارسون ترجمه معنایی را بررسی می‌کنـد که در مقابل ترجمه تحت اللفظی قرار می‌گیرد و نظریه‌ای را شـرح می‌دهـد کـه بـر اسـاس کشف و انتقال معنا شکل گرفته است (لارسون، ۱۹۹۸: ۳۲).

بوآکلِر هم، بر این جنبه تأکید می‌کند: «ما توجه ویژه‌ای بر مسئله ترجمه مفـاهیم ضـمنی، مبذول خواهیم داشت؛ چرا که در اکثر موارد، نقـش مـؤثری در ارائـه ترجمـه موفـق دارنـد. علاوه بر آن، از آن‌جا که عمل ترجمه، متن مبدأ را به فرهنگی دیگر انتقال می‌دهد، به نظر مـا مفاهیم معنایی ضمنی، که بیش از بقیه درخور توجه‌اند، حاوی اطلاعات ضمنی فرهنگی نیـز هستند» (بوآکلِر، ۱۹۹۸: ٦).

در این‌جا، سوالاتی در ذهن ما در باب چگونگی ترجمه آرایه‌های ادبی، شکل می‌گیرد:

آیا در ترجمه آرایه‌های ادبی، گاه باید به معنای ذاتی کلمات توجه نمود؟

آیا برخی از آرایه‌های ادبی دقیقاً در زبان مقصد به‌کار می‌روند؟

براساس نظریه‌های ترجمه به‌ویژه نوع تفسیری مطـرح شـده توسـط لارسـون، می‌تـوان دریافت که در ترجمه آرایه‌های ادبی (در این‌جا تشبیه و استعاره) سه روش موجود است:

ترجمه با معادل سازی: یعنی بیان معادل یک آرایه ادبی در زبان مقصد، که ایـن بهتـرین روش ترجمه در این‌جا محسوب می‌شود؛ چرا که جمله ترجمه شـده، هـم در زبـان مبـدأ و هم در زبان مقصد متناسب است؛ و بدین ترتیب، فصاحت کلام متن اصلی، در متن ترجمـه، باقی می‌ماند و خواننده از زیبایی‌های متن برخوردار می‌شود.

ترجمه معنایی: بیان مفهوم آرایه ادبی در زبان مقصد. در این روش بـرای انتقـال معنـای آرایه ادبی، مترجم بیش‌تر به زبان مقصد تکیه می‌کنـد و می‌کوشـد تـا موضـوع را بـا کمـی توضیح به خواننده بفهماند. اما این روش، زمانی قابل قبول است که زبان مقصد فاقـد معـادل مناسب برای آرایه ادبی باشد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

ترجمه تحت اللفظی: ترجمه واژه به واژه که روشی نامطلوب در ترجمه "تشبیه" و "استعاره" است؛ لذا تا حد امکان باید از آن اجتناب نمود. با وجود این، در ترجمه قرآن، گاه به ناچار به این نوع ترجمه روی می‌آوریم، تا به سبک متن مقدس، وفادار بمانیم و تصویر موردنظر قرآن و همچنین قصد ذات باری‌تعالی را تغییر ندهیم.

به نظر می‌رسد که نظریه‌های تفسیری هربولو، راه حل مناسب‌تری را پیش‌رو قرار داده باشد. هربولو[۱۳]، در مقاله خود، با عنوان «نظریه تفسیری یا نظریه مفهومی، دیدگاه یک عمل‌گرا[۱٤]»، که در مجله متا[۱۵] به چاپ رسیده است، می‌نویسد: «نظریه تفسیری یا نظریه مفهوم، که ما گاه آن را نظریه مکتب پاریس نیز می‌نامیم، بر یک اصل اساسی استوار است: ترجمه، کار بر روی زبان و واژه‌ها نیست؛ بلکه کار بر روی پیام و مفهوم است» (هربولو، ۲۰۰٤: ۳۰۷).

بر اساس این نظریه فرآیند تأویل و تفسیر دارای سه مرحله است:

اول: درک و دریافت، دوم: تجزیه و سوم: بیان دوباره.

در ترجمه "تشبیه"، این نظریه، تفسیر "تشبیه" را پیشنهاد می‌دهد؛ ازاین رو شکل ظاهری را رها می‌کند. با تکیه بر این نظریه ما سه راه ترجمه را پیشنهاد می‌کنیم:

تغییر طرفین "تشبیه": ترجمه "تشبیه" به یک "تشبیه" دیگر که معادل آن است و همان معنا را داراست. به طور مثال در "تشبیه"« Il était rouge comme une tomate » (ترجمه تحت اللفظی: او مثل گوجه فرنگی سرخ بود)، مشبهٌ‌به، *گوجه فرنگی* است. برای ترجمه فارسی این جمله می‌نویسیم:" صورتش مثل لبو سرخ بود." مشاهده می‌کنید که در این‌جا، مشبهٌ‌به را تغییر دادیم؛ چون فرهنگ اصطلاحات زبان مقصد این‌طور ایجاب می‌کند.

رها کردن طرفین "تشبیه": حذف کردن "تشبیه"، زمانی اتفاق می‌افتد که معادلی در زبان مقصد برای "تشبیه" نیابیم. از این رو به جای معادل، معنای "تشبیه" را توضیح می‌دهیم. به طور مثال در جمله « Il était fier comme Artaban » (ترجمه تحت اللفظی: او همانند آرتابان مغرور بود؛ که در این‌جا، آرتابان، نام قهرمان بسیار مغرور در رمانی مربوط

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

به قرن هفدهم میلادی به نام کلئوپاتر است). برای ترجمه فارسی این جمله ما معمولاً می‌نویسیم: "او بسیار مغرور بود." می‌بینیم که در این‌جا ما مشبهٌبه را حذف کردیم و معنای آن را با یک قید، به خواننده انتقال می‌دهیم.

افزودن اضافه به طرفین "تشبیه": در این‌جا، "تشبیه" را به "تشبیهی" دیگر ترجمه کرده و به آن توضیح یا تفسیر اضافه می‌کنیم. این حالت زمانی روی می‌دهد که مترجم حس می‌کند، "تشبیه" برای خواننده گنگ است.

به طور مثال در جمله: « Elle était comme une colombe » (ترجمه تحت اللفظی: او مثل یک کبوتر بود)، مشبهٌبه، کبوتر است. همان‌طور که می‌بینیم در ترجمه فارسی این جمله ابهام وجود دارد. ما در این‌جا توضیحی اضافه کرده و می‌نویسیم: "او همانند یک کبوتر پاک و ساده بود."

۷- نظریه‌های ترجمه استعاره

از آن‌جا که در ترجمه، یافتن معادل برای "استعاره" امری دشوار است، نظریه‌پردازان روش های گوناگونی بیان نموده‌اند؛ که ما در این‌جا به عنوان نمونه دو نظریه‌پرداز را برگزیدیم. در مبحث فصاحت و بلاغت، سخن گفتن با "مجاز" مقدم است، بر سخن مستقیم و واضح؛ و "استعاره" به‌عنوان گونه‌ای در خور توجه از مجاز، ارزش زیبایی والایی را داراست.

۷-۱- عبدالقاهر جرجانی (۱۰۱۴-۱۰۸۱ق)

جرجانی، دانشمند و ادیب ایرانی سده پنجم هجری، شارح روابط نحو و معنا و صاحب اسرارالبلاغه و دلایل الاعجاز، در باب ترجمه استعاره، دو روش پیشنهاد می‌دهد:

ترجمه لفظی "استعاره": در ترجمه "استعاره" به زبانی دیگر، باید شکل ظاهری "استعاره" حفظ شود تا بتواند همان اثر متن مبدأ را داشته باشد. مترجم ملزم به ترجمه دقیق

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

معنای "استعاره" نیست؛ یعنی نباید آن را در جهت فهماندن معنا تغییر دهد؛ چون در آن صورت دیگر ترجمه "استعاره" نیست؛ بلکه ساختاری جدید از مترجم است.

ترجمه معنایی "استعاره": در صورتی که معادل لفظی "استعاره" در زبان مقصد موجود نباشد، باید معنای آن آورده شود. برای روشن شدن تفاوت این دو ترجمه از نگاه جرجانی، مثالی از آیه ۱ سوره ابراهیم را انتخاب کرده و ترجمه کازیمیرسکی و حمیدالله را مورد توجه قرار می‌دهیم.

﴿**الر كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ**﴾ (ابراهیم/ ۱)

الر.کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری، به سوی آن شکست ناپذیر ستوده.

Élif. Lam. Ra. C'est un livre que nous t'avons envoyé d'en-haut pour que tu fasses sortir les hommes des ténèbres à la lumière, et que tu les conduises avec la permission de leur Seigneur vers le sentier du Puissant, du Glorieux. (A. kasimirski)

Alif, Lâm, Râ. (Voici) un livre que nous avons fait descendre sur toi, afin que - par la permission de leur Seigneur - tu fasses sortir les gens des ténèbres vers la lumière, sur la voie du Tout Puissant, du Digne de louange. (M. Hamidullah)

در این آیه، ظلمات les ténèbres به معنای تاریکی‌ها، "استعاره‌ای" است، برای گمراهی les égarements و نور la lumière به معنای روشنایی، "استعاره‌ای" است برای هدایت L'orientation. چنانچه واژه‌های obscurité را به معنای تاریکی و éclairage را به معنای روشنایی برای ترجمه برگزینیم، ترجمه، لفظی خواهد بود و چنانچه واژه‌های نخست، یعنی گمراهی به جای تاریکی و نور به جای روشنایی را برگزینیم ترجمه، معنایی خواهد بود.

۷-۲-پیتر نیومارک (۱۹۱۶-۲۰۱۱م)

نیومارک، اهل چک و از چهره‌های شاخص در بنیان‌گذاری مطالعات ترجمه است که تحقیقات و مطالعاتی نیز در زمینه ترجمه "استعاره" داشته است. از دید وی "استعاره"، موضوعی بحث برانگیز و مشکل ساز در ترجمه و حتی علوم مربوط به زبان است. او در

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

کتاب خود با عنوان «رویکردهـایی در ترجمـه (۱۹۸۱)[16]»، راهبردهـای هفتگانـه‌ای را بـرای ترجمه "استعاره" پیشنهاد می‌دهد که در زیر به تبیین آن می‌پردازیم:

۱-ترجمه تحت اللفظی "استعاره": یعنی انتقال عینـی "اسـتعاره" از زبـان مبـدأ بـه زبـان مقصد، به شرطی که "استعاره" موردنظر در میان گـویش‌گـران زبـان مقصـد، شـناخته شـده باشد؛ بدین ترتیب کاربرد "استعاره" در زبان مقصد، حفظ می‌گردد.

۲-ترجمه "استعاره" به "استعاره‌ای" معادل و برابر: یعنی جایگزینی "اسـتعاره" در زبـان مقصد با "استعاره‌ای" معیار و استاندارد که همان معنای استعاره زبان مبدأ را در زبـان مقصـد بیان نماید.

﴿**إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ**﴾ (ملک/۷)

چون در آن‌جا افکنده شوند، از آن خروشی می‌شنوند در حالی که می‌جوشد.

Quand ils y seront jetés, ils lui entendront un gémissement, tandis qu'il bouillonne. (M. Hamidullah)

Lorsqu'ils y seront précipites, ils l'entendront rugir, et le feu brûlera avec force. (A. Kasimirski)

در این آیه، مترجم واژه شهیقاً را که بـه معنـای صـدای کرکننـده اسـت، بـه gémissement، صدایی شبیه ناله، ترجمه کرده است کـه ایـن واژه در زبـان فرانسـه، کـاربردی "اسـتعاری" است.

۳- ترجمه "استعاره" به "تشبیه": جهت روشن ساختن معنی به لفظ مشبه (مستعارٌله) یـا مشبهٌبه (مستعارٌمنه) که در کلام حذف شده، اشاره می‌شود،ماننـد: تاریکی‌هـای گمراهـی در ترجمه الظلمات و روشنایی هدایت در ترجمه النور.

همچنین برف پیری، واژه‌ای که بهاءالدین خرمشاهی در ترجمـه "اسـتعاره" آیـه ٤ از سـوره مریم به کار برده است: ﴿**وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا**﴾: برف پیری بر سرم نشسته.

٤- ترجمه "استعاره" به "تشبیه" با افزوده‌های تفسیری: این روش، زمانی مناسب اسـت که "استعاره" دارای پیچیدگی باشد و مترجم احساس نماید، نیاز به توضـیح بیش‌تـر وجـود

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

دارد. به طور مثال در توضیح "استعاره"، واژه مَرَض، در فی قلوبهم مَرَضٌ...از افزوده‌هایی همچون بیماری شک و ریا استفاده می‌کنند.

۵- ترجمه "استعاره" به معنای آن: در این روش، تنها پیام "استعاره" بیان می‌شود. برای نمونه در عبارت فاالصدع بما تومر... صدع به معنای شکستن است که در این آیه منظور بیان کردن دعوت الهی از سوی پیامبر به طور آشکاراست و در ترجمه آن از آشکار کن، بیان کن (expose)، استفاده می‌شود. پر واضح است که در صورت ترجمه تحت اللفظی، این "استعاره" از میان خواهد رفت و معنا نیز منتقل نخواهد شد.

٦- حذف "استعاره" و عدم ترجمه آن: حذف "استعاره" به معنای عدم ترجمه آن در زبان مقصد است و این زمانی اتفاق می‌افتد که "استعاره"، زائد و غیر مفید باشد. بیان معنا و مقصود "استعاره" در ضمن کلام و یا موضع دیگری از متن می‌تواند توجیه کننده حذف "استعاره" در فرآیند ترجمه باشد. به طور مثال در آیه زیر هر دو مترجم، "استعاره" موجود در واژه لباس را حذف کرده‌اند:

﴿**فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ**﴾ (نحل/۱۱۲)

و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید.

Allah lui fit alors goûter la violence de la faim et de la peur [en punition] de ce qu'ils faisaient. (M. Hamidullah)

Il l'a frappée de la faim et de la terreur pour prix des œuvres de ses habitants. (A. Kasimirski)

۷- ترجمه تحت اللفظی "استعاره" با افزوده‌های تفسیری: "استعاره"، به همان صورت اصلی آن، همراه با افزوده‌های تفسیری، منتقل می‌شود و هدف آن، روشنی‌بخشی به سخن و رفع ابهامات و پیچیدگی‌های احتمالی است. بنابراین مترجم برای اطمینان از قابل فهم بودن "استعاره" در زبان مقصد، به توضیحات روی می‌آورد (نیومارک،۱۳۸٦: ۱٤٦، به نقل از امانی و شادمان،۱۳۹۱: ۱٤۷).

﴿**وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا**﴾ (اسراء/۲۹)

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تـا ملامت‌شـده و حسـرت‌زده بـر جای مانی.

Ne porte pas ta main enchaînée à ton cou [par avarice], et ne l'étend pas non plus trop largement, sinon tu te trouveras blâmé et chagriné. (M. Hamidullah)
Ne te lie pas la main au cou et ne l’ouvre pas non plus entièrement, de peur que tu n'encoures le blâme ou ne deviennes pauvre. (A. Kasimirski)

همانطور که مشاهده می‌شود، در این آیه، محمـد حمیـدالله، "اسـتعاره" موجـود را بـه طـور تحت اللفظی ترجمه کرده و بـه همـراه آن توضـیحی در کروشـه قـرار داده اسـت (معنـای توضیح: از روی خساست) که به دریافت بهتر معنا و پیام آیه کمک می‌کند.

در این قسمت ما به بررسی راهبردهای ذکر شده در بالا می‌پردازیم:

– درباره راهکار حذف "استعاره"، باید گفت کـه در ترجمـه قـرآن ایـن روش جوابگـو نیست؛ چرا که وفاداری به پیام آسمانی از اهمیت زیادی برخوردار است، به علاوه ایـن نـوع ترجمه از ارزش بلاغی و هنری متن مبدأ می‌کاهد.

– روش ترجمه "استعاره" به "استعاره‌ای" معادل و برابر در زبان مقصـد، زمـانی مقبـول است که "استعاره" انتخاب شده در زبان مقصد، کاملاً و از تمام جهات، بـا "اسـتعاره" زبـان مبدأ یکسان باشد؛ ولی دستیابی به چنـین معـادلی بسـیار سـخت و نـاممکن اسـت و هـیچ تضمینی نیست که از نظر ارتباطی و تاثیر بر مخاطب، با "اسـتعاره‌های" مـتن اصـلی برابـری کند.

– در روش سوم (ترجمه "استعاره" به "تشبیه") نیز، اگر "استعاره" بـه غیـر "اسـتعاره" ترجمه شود، برابری و تعادل میان متن ترجمه شده و متن اصلی، از نظر میزان تـأثیر و ارزش ارتباطی و همین طور سبک و اسلوب سخن، از بین می‌رود؛ چراکه «لازم است کیفیت مـتن مبدأ حفظ شود، یعنی محتوا و سبک ویژه هر متن، موازین ادبی حاکم بـر آن و ویژگی‌هـای زیباشناختی متن اصلی، تا حد امکان در ترجمه، حفظ شـده و نمـود یابـد» (حـدادی، ١٣٨٤: ٣٣). اما درباره روش سوم، سوالی که در ذهن ما مطرح می‌شود این اسـت کـه، آیـا مـی‌تـوان یک آرایه ادبی را در ترجمه تغییر داد؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است؛ چـرا کـه هـر آرایـه

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

کارکردها، اهداف و نقش‌های مشخص و خاص خود را دارد و مهم‌تر از آن دارای تأثیر ویژه بر فرآیند انتقال پیام بوده و در راستای اهداف نویسنده متن است. بنابراین ارزش ارتباطی هریک از آرایه‌ها با دیگری متفاوت است.

۸-ترجمه تشبیه و استعاره در قرآن

در این قسمت از مقاله که شامل دو بخش است، آیاتی از قرآن‌کریم که دربرگیرنده "تشبیه" و "استعاره" است، را برگزیده و به مطالعه هریک پرداخته‌ایم. سپس دو مترجم قرآن به زبان فرانسه، یعنی محمد حمیدالله و آلبرت کازیمیرسکی را انتخاب کرده وآیات موردنظر را از ترجمه آن‌ها استخراج کرده‌ایم. در هر آیه، "تشبیه" و "استعاره" را ردیابی کرده و به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته‌ایم.

۸-۱-تحلیل ترجمه آیات دارای تشبیه

۱-﴿**خَلَقَ الإنسـنَ مِن صَلصال كالفَخّار**﴾ (الرحمن/١٤)

انسان را از گل خشکیده‌ای سفال مانند، آفرید.

Il a créé l'homme d'argile sonnante comme la poterie.(M. Hamidullah)

Il a formé l'homme de terre, comme celle du potier .(A. Kasimirski)

این آیه، از آفرینش انسان از نوعی گِل، سخن می‌گوید که مشابه گِل سفالگری است. بر اساس آیاتی که به آفرینش انسان اختصاص دارد، می‌توان گفت که انسان در ابتدا خاک بوده؛ پس از آن با آب مخلوط شده و تبدیل به گِل شده است؛ در نهایت به گِل خشکی مشابه گِل سفالگری تبدیل گشت.

مشبه: صلصال(argile sonnante یعنی خاک مورد استفاده در آفرینش انسان)، مشبهٌبه: فخار(la boue employée dans la poterie avant la faire cuir گِل مورد استفاده در سفالگری قبل از پخته شدن)، ادات تشبیه: comme کَ، وجه شبه: نوع گِل مورد استفاده.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

در آیه مشاهده می‌شود که ترجمه مشبه (صلصال) از سوی دو مترجم متفاوت است؛ حمیدالله آن را به argile sonnante که معنای آن در فرهنگ لاروس(۲۰۱۱)، گل رس صدادار است، ترجمه کرده، در حالی که کازیمیرسکی، واژه terre را به کار برده که به معنای خاک است. در مورد انتخاب واژه sonnant به معنای صدادار یا صدادهنده، می‌توان گفت که صلصال در این‌جا به معنای گِلی است، خشک که صدا می‌دهد؛ یعنی زمانی که بر آن ضربه بزنید صدایی از آن شنیده می‌شود. مثال دیگر: حمارٌ صلصال یعنی خری که زیاد سر و صدا می‌کند. در ترجمه، مشبهٌبه یعنی فخّار که به معنی گِل نپخته مورد استفاده در سفالگری است، حمیدالله از واژه la poterie به معنای سفالگری، در ادامه آیه استفاده کرده (گِل مورد استفاده در سفالگری) و کازیمیرسکی از واژه potier به معنای سفالگر(گِل مورد استفاده سفالگر). درباره ترجمه واژه خَلَقَ، به معنای آفریدن، حمیدالله از واژه créer به همان معنی، اما کازیمیرسکی از واژه former به معنای فرم دادن، استفاده کرده است. به نظر نگارندگان، ابتدا باید چیزی را خلق کرد، سپس به فرم دادن آن پرداخت؛ پس فعل مورد استفاده حمیدالله، صحیح‌تر به‌نظر می‌رسد. با توجه به این توضیحات ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت که در آیه مورد نظر، کازیمیرسکی، ترجمه‌ای تقریباً تحت اللفظی ارائه کرده است، در حالی که حمیدالله، ترجمه‌ای معناوار؛ یعنی سعی کرده است تا معادلی بر اساس معنای مشبه بیابد.

۲- ﴿**والقَمَرَ قَدَّرنـهُ مَنازِلَ حَتّی عادَ <u>كالعُرجونِ القَديم</u>**﴾ (یس/ ۳۹)

برای ماه منزلهایی معین کرده‌ایم، تا چون <u>شاخک خشک خوشه خرما</u> برگردد.

Et la lune, Nous lui avons déterminé des phases jusqu'à ce <u>qu'elle devienne comme la palme vieillie</u>. (M. Hamidullah)

Et la lune, nous avons établi pour elle des stations au point <u>qu’elle devient comme une vieille branche de palmier recourbée</u>. (A. Kasimirski)

واژه عُرجون، به معنای قسمتی ازخوشه خرما به رنگ زرد است که پس از چیدن خوشه همچنان چسبیده بر درخت باقی می‌ماند و با گذر زمان به سان کمانی در می‌آید. ماه در ابتدا

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

به شکل هلال است، هر شب بزرگ‌تر شده تا این‌که به ماه تمام تبدیل می‌شود؛ پس، دوباره رو به تحلیل می‌رود تا باز به شکل هلال در می‌آید و درست شبیه عُرجون می‌شود.

مشبه: قمر la lune، مشبهٌبه: عُرجون القدیم la vieille branche de palmier، ادات تشبیه: کَ comme، وجه شبه: خمیدگی و تحلیل رفتن être recourbé .

برای ترجمه مشبهٌبه، یعنی عرجون القدیم، که به معنای شاخه خشکیده و کهنه خوشه خرما است، معادل‌های واژگانی دو مترجم متفاوت است: حمیدالله la palme vieillie را انتخاب کرده، یعنی برگ نخل و کازیمیرسکی une vieille branche de palmier recourbée را، که یعنی شاخه‌ای خمیده و کهنه از درخت خرما. palme در فرهنگ لاروس (۲۰۱۱)، به معنی برگ درخت خرما است؛ اما این‌جا واژه عرجون، بیش‌تر به معنای شاخه است. صفت recourbée به معنای خمیده، بهتر تصویر هلال را برای ما تداعی می‌کند؛ در حالی که حمیدالله با واژه palme viellie به آوردن برگ کهنه بسنده کرده است. در این‌جا، ما اضافه کردن و بسط مشبهٌبه از سوی کازیمیرسکی را مشاهده می‌کنیم. در نتیجه وی با ارائه ترجمه‌ای معنایی و توضیح بیش‌تر، بهتر از مترجم دیگر توانسته معنای "تشبیه" را برساند.

۳- ﴿سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (حدید/۲۱)

[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است.

Hâtez-vous vers un pardon de votre Seigneur ainsi qu'un Paradis aussi large que le ciel et la terre.(M. Hamidullah)

Luttez donc de vitesse pour obtenir le pardon de Dieu et le paradis, dont retendue égale celle du ciel et de la terre .(A. Kasimirski)

واژه عَرض، به نظر برخی از مفسران، در معنای وسیع و گسترده، در تمامی ابعاد است، اما به عقیده برخی دیگر به معنای پهنا و عرض است که در ریاضیات مقابل طول قرار می‌گیرد. یعنی بر طبق نظر این مفسران، عرض و پهنای بهشت به اندازه عرض آسمان‌ها و زمین است، در حالی که طول بهشت خیلی بیش‌تر از عرض آن است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

مشبه: عرضها la largeur، مشبهٌبه: عـرض السـماء والارض la largeur du ciel et de la terre، ادات تشبیه: کَ comme ، وجه شبه: گستردگی être vaste.

برای مشبه در این "تشبیه"، (عرضها) la largeur du paradis ، حمیـدالله، واژه large را به معنای پهنا به کار برده، در حالی که کازیمیرسکی، از واژه retendue به معنـای گسـتردگی استفاده کرده است. در این‌جا مشاهده می‌کنیم که حمیـدالله بـه معنـای پهنـا اهمیـت داده در صورتی که کازیمیرسکی با مدنظر قرار دادن گستردگی، این "تشـبیه" را بـه صـورت تحـت اللفظی ترجمه کرده و مشبهٌبه را تغییر نداده، ولی حمیدالله بدون این‌کـه معنـا عـوض شـود، تغییراتی در آن اعمال کرده است. هر دو مترجم، "تشبیه" را در این آیه حفظ کرده‌اند.

٤- ﴿**<u>وَلَهُ الجَوارِ المُنشَـاتُ فِی البَحرِ</u> کالأَعلـم**﴾ (الرحمن/٢٤)

و او راست در دریا <u>سفینه‌های بادبان‌دار بلند همچون کوهها</u>.

A Lui appartiennent <u>les vaisseaux élevés sur la mer comme des montagnes</u>. (M. Hamidullah)

A lui appartiennent <u>les vaisseaux qui traversent les mers comme des montagnes</u>. (A. Kasimirski)

آیه فوق، بیانگر این است که کشتی‌هایی که آب‌های دریا را در می‌نوردند، به خـدای بـزرگ تعلق دارند، حتی اگر ساخته بشر باشند؛ چرا که مجموعه عواملی کـه در شـکل گیـری ایـن کشتی‌ها از وسایل و لوازم تا فکر انسان که باعث ساخت آن‌ها شده، همه از آن خداست.

مشبه: الجَوارُ المُنشَات فِی البحـر les bateaux élevés sur la mer ، مشـبهٌبه: اعـلام des montagnes، ادات تشبیه: کَ comme، وجه شبه: بزرگی و عظمت la grandeur.

در ترجمه مشبه این "تشبیه"، یعنی الجوار المنشـات فـی البحـر، بـه معنـای کشـتی‌های بزرگ افراشـته در دریاهـا، ترجمـه حمیـدالله les vaisseaux élevés sur la mer اسـت، بـه معنای کشتی‌های افراشته بر دریا و ترجمه کازیمیرسکی، les vaisseaux qui traversent les mers ، به معنای کشتی‌هایی که دریاها را در می‌نوردند آمده است. بر اساس تفسـیر المیـزان، واژه الجوار، جمع جاریه است، به معنای کشتی و المنشات از انشا است، به معنـای سـاختن و شکل دادن، ایجاد کردن. واژه اعلام که در این‌جا، مشبهٌبه است، جمع عَلَم است، به معنـای

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]
[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

کوه. علت استفاده از اعلام، در این آیه، این است که کشتی‌ها در دریا با ابهت و بزرگی همچون کوه ظاهر می‌شوند. در واقع هر دو مترجم، "تشبیه" را به صورت تحت اللفظی ترجمه کرده‌اند؛ گرچه حمیدالله اسم مفعول élevé به معنای برپاشدن و بلند شدن را به درستی برگزیده، چرا که با کوه متناسب است. کازیمیرسکی فعل traverser را در ترجمه فی البحر آورده، به معنای گذر کردن، عبور کردن، که در آیه وجود ندارد.

۵- ﴿**إنَّها شَجَرَةٌ تَخرُجُ فی اَصلِ الجَحیم طَلعُها کَاَنَّه رُئوسُ الشَّیاطین**﴾ (صافات/ ٦٥)

آن، درختی است که از قعر آتش سوزان می‌روید میوه‌اش گویی چون کله‌های شیاطین است.

C'est un arbre qui sort du fond de la Fournaise. Ses fruits sont comme des têtes de diables. (M. Hamidullah)

C'est un arbre qui pousse du fond de l'enfer. Ses cimes sont comme si c'étaient des têtes de démons. (A. Kasimirski)

بر اساس تفسیر فی ظلال القرآن و تفاسیر دیگر، درخت مورد بحث در این آیه، زَقّوم است، درختی که در قعر جهنم می‌روید، با میوه‌هایی تلخ و بویی مشمئزکننده و غیر قابل تحمل و میوه‌هایش که مخصوص افراد جهنمی است، به سرهای شیاطین تشبیه شده‌اند. ما نمی‌دانیم سر شیطان، دقیقاً به چه شکل است؛ اما از این می‌توان اطمینان داشت که شیطان منبع تمام بدی‌ها و زشتی‌هاست و این تشبیه، زشتی و بدی این میوه‌ها را به ما القا می‌کند.

مشبه: *طلعها* *ses fruits, ses cimes*، مشبهٌبه: *رئوس الشیاطین* *les têtes des diables*، ادات تشبیه: کَاَنّه *comme il est*، وجه شبه: *منفور و زشت بودن* *être répugnant*.

در ترجمه مشبه یعنی *طلعها*، دو مترجم به گونه‌ای متفاوت عمل کرده‌اند. حمیدالله واژه *میوه‌ها* *fruits* ، را انتخاب کرده که ترجمه‌ای لفظی محسوب نمی‌شود، در حالی که کازیمیرسکی با انتخاب *قلّه* *cime*، ترجمه تحت اللفظی داشته است. درباره مشبهٌبه، یعنی *رئوس الشیاطین* هم، متفاوت عمل کرده‌اند؛ حمیدالله *سرهای شیاطین* و کازیمیرسکی *سرهای دیو*، اما در مجموع هر دو به شیوه تحت اللفظی ترجمه کرده‌اند تا تصویر این آیه مانند معنای آن حفظ شود.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

۸-۲- بررسی ترجمه آیات دارای استعاره

در این قسمت نمونه‌هایی از "استعاره‌های" به کار رفته در آیات قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (بقره/ ۲۶۹)

به هرکس که بخواهد حکمت می‌بخشد و به هرکس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است؛ و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد.

Il donne la sagesse à qui Il veut. Et celui à qui la sagesse est donnée, vraiment, c'est un bien immense qui lui est donné. Mais les doués d'intelligence seulement s'en souviennent. (M. Hamidullah)

Il donne la sagesse à qui il veut ; et quiconque a obtenu la sagesse a obtenu un bien immense : mais il n'y a que les hommes doués de sens qui y songent. (A. Kasimirski)

بر اساس تفسیر نمونه، حکمت، معنی وسیعی دارد که معرفت و شناخت اسرار جهان هستی، آگاهی از حقایق قرآن و رسیدن به حق از نظر گفتار و عمل، حتی نبوت را شامل می‌شود. سپس خداوند می‌فرماید: «و هرکس که به او دانش داده شده است خیر فراوانی به او عطا شده است» ﴿وَ مَنْ يؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيرا﴾. و در پایان آیه می‌فرماید: «تنها خردمندان متذکر می‌شوند» ﴿وَ مايذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الالباب﴾.

منظور از اولوا الالباب (صاحبان عقل و خرد)، آن‌هایی هستند که عقل و خرد خود را به کار می‌گیرند و در پرتو این چراغ پرفروغ، راه زندگی و سعادت را می‌یابند. اولو الالباب در این آیه، "استعاره" است؛ اُولو، به معنای دارنده و صاحب است که هر دو مترجم آن را doués ، به همان معنی، ترجمه کرده‌اند. لُب، مفرد الباب است و ترجمه آن در زبان فرانسه از یک طرف به معنای هسته و قلب و از طرفی دیگر، با در نظر گرفتن مجاز، به معنای عقل و منطق و ادراک است. حمیدالله واژه les doués d'intelligence را برگزیده و کازیمیرسکی les hommes doués de sens.

۲- ﴿فَأَذَاقَهَا اللَّـهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نمل/۱۱۲)

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید.

Allah lui fit alors goûter la violence de la faim et de la peur [en punition] de ce qu'ils faisaient. (M. Hamidullah)

Il l'a frappée de la faim et de la terreur pour prix des œuvres de ses habitants. (A. Kasimirski)

بر اساس تفسیر فی ظلال القرآن، این آیه سرنوشت مردم روستایی را نقل می‌کند که نسبت به نعمات الهی ناسپاسی کرده‌اند. در این آیه، علت به کارگیری واژه "استعاری" لباس، این است که لباس بدن را می‌پوشاند همچنان‌که می‌فرماید: « گرسنگی و ترس بر آنان چیره گشت و آنان را همچون لباسی در برگرفت به طوری که راه فراری نداشتند.» در این‌جا هر دو مترجم، "استعاره" لباس را حذف کرده‌اند. آن‌ها به جای لباس گرسنگی و ترس، از گرفتار گرسنگی و ترس شدن و چشیدن طعم گرسنگی، استفاده کرده‌اند. فعل اَذاقَ هم، "استعاره‌ای" برای چشاندن طعم کیفر است؛ کازیمیرسکی، "استعاره" را نادیده گرفته و معادل معنایی برای آن برگزیده است؛ در حالی که حمیدالله، آن را به صورت تحت اللفظی، به معنای چشاندن ترجمه کرده است.

۳-﴿**يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ**﴾ (قلم/٤٢)

روزی که کار، زار [و رهایی دشوار] شود و به سجده فرا خوانده شوند و در خود توانایی نیابند.

Le jour où ils affronteront les horreurs [du Jugement] et où ils seront appelés à la Prosternation mais ils ne le pourront pas. (M. Hamidullah)

Le jour où les jambes seront à nu, on les appellera à l'adoration; mais ils n'auront pas les forces nécessaires. (A. Kasimirski)

ترجمه تحت اللفظی اصطلاح **يُكْشَفُ عَن سَاقٍ**، ساق پاها نمایان می‌شود، است؛ اما این معنا "استعاری" است و در این آیه نیز این معنا مدنظر است. در میان استعارات، نکاتی وجود دارند که بیانگر واقعیت‌های ناشناخته‌ای در زبان مقصد هستند. سختی این استعارات در ترجمه، به دلیل معنای دلالت‌گر واژه‌ها یا جملات آن‌هاست. این معنا پیوندی سازمند با فضای جغرافیای فرهنگی بافتی دارد که اثر مورد بحث- در این‌جا قرآن‌کریم- ظهور یافته است. این پیوند با پیچیدگی‌های چنین بافتی، می‌تواند چنان محکم باشد که یافتن معادل‌هایی در دیگر زبان‌ها به نظر بی‌فایده می‌آید. این نوع از "استعاره" بر پایه آداب و

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

رسوم، اقوام و مفاهیم خاص در محیط اجتماعی استوارند. مانند "استعاره" موجود در این آیه که نقطه آغازین آن، لباس ساکنین مکه و قوانین اجتماعی آن‌هاست. ساکنین مکه، به رسم زمانه که تا امروزه نیز تقریباً این‌گونه است، لباس بلند و گشادی به تن می‌کردند که تا قوزک پا می‌رسید. بر اساس آنچه مرسوم بوده، نشان دادن ساق پا، امری مذموم محسوب می‌شده و تنها در مواقع خاصی اجتناب ناپذیر بوده است؛ گفته می‌شود در روز رستاخیز مردم از هراس، این رسم را فراموش کرده و ساق پاهاشان نمایان می‌شود تا سریع‌تر بتوانند بدوند. با چنین توضیحاتی، ترجمه تحت اللفظی این "استعاره" نمی‌تواند معنا و مفهوم درستی را برای خواننده ناآشنا نسبت به این رسم و رسوم، داشته باشد و ابهام موجود برطرف نمی‌شود. از میان دو مترجم مورد بحث، کازیمیرسکی به شیوه تحت اللفظی ترجمه کرده در حالی که حمیدالله سعی بر آن داشته تا معنا را برساند. ترجمه حمیدالله به صورت روزی که با سختی و هراس روز قیامت مواجه می‌شوند... و ترجمه کازیمیرسکی به صورت روزی که ساق پاها عریان شود...، است.

٤-﴿**فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّـهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ**﴾ (بقره/١٠)

در دلهایشان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود؛ و به [سزای] آنچه به دروغ می‌گفتند، عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت.

Il y a dans leurs cœurs une maladie (de doute et d'hypocrisie), et Allah laisse croître leur maladie. Ils auront un châtiment douloureux, pour avoir menti. (M. Hamidullah)

Une infirmité siège dans leurs cœurs, et Dieu ne fera que l'accroître ; un châtiment douloureux leur est réservé, parce qu'ils ont traité les prophètes de menteurs. (A. Kasimirski)

در این آیه، واژه مَرَض، کاربرد "استعاری" دارد؛ در توضیح آن می‌توان گفت که این واژه به معنای ریاکاری است. یعنی ریاکاری، یک نوع بیماری دل است و دل و ذهن افراد دورو و ریاکار به این مرض مبتلاست. نکته دیگر این‌که، خداوند باعث این بیماری نشده است، بلکه آن‌ها خود سبب پدید آمدن آن شده‌اند و خداوند این مرض را در دلشان افزایش می‌دهد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

با نگاهی به دو ترجمه، متوجه می‌شویم که حمیدالله، این واژه را همان بیماری ترجمه کرده و توضیحی برای فهم درست آن افزوده است (une maladie de doute et d'hypocrisie)، در حالی که کازیمیرسکی، واژه infirmité را که مفهوم بیماری می‌دهد برگزیده و در واقع معادل معنایی، در نظر گرفته و این "استعاره" را به "استعاره‌ای" دیگر ترجمه کرده است؛ حمیدالله آن را به صورت "تشبیه" برگردانده؛ زیرا توضیحی که به ترجمه خود افزوده یعنی بیماری(شک و ریا)، در واقع مشبه است که در "استعاره" حضور ندارد. با این توضیحات ترجمه حمیدالله را می‌توان قابل قبول‌تر در نظر گرفت.

۵- ﴿يَدُ اللَّـهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح/ ۱۰)

دست خدا بالای دست‌های آنان است.

La main d'Allah est au-dessus de leurs mains. (M. Hamidullah)
La main de Dieu est posée sur leurs mains .(A. Kasimirski)

این آیه زمانی نازل گشت که شماری از مردم با پیامبر اکرم (ص) دست پیمان دادند؛ خداوند می‌فرماید که هر آن‌کس با پیامبر دست بیعت می‌دهد در واقع با خداوند دست بیعت می‌دهد. اما سوالی که این‌جا مطرح می‌شود، این است که آیا خداوند واقعا دارای دست است؟ اساساً تصور دست مادی برای خداوند دور از ذات اقدس الهی است. در زمان پیامبر، آنان که با رسول خدا بیعت می‌کردند، دست خویش را به نشانه پیمان، پایین‌تر از دست ایشان قرار می‌دادند. در "استعاره" این آیه در واقع دست مردم پایین بود و دست پیامبر به منزله دستی از سوی پروردگار بالاتر بود. در این‌جا هر دو مترجم، آیه را به شیوه تحت الفظی ترجمه کرده‌اند، فقط دو فعل متفاوت و در نتیجه حرف اضافه مربوط به آن انتخاب کرده‌اند. حمیدالله از فعل être ، بودن و کازیمیرسکی از poser ، قرار دادن استفاده کرده است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

۹- نتیجه‌گیری

یافته‌های این مقاله به شرح زیر است:

۱- در این مقاله به مطالعه ترجمه فرانسوی "استعاره‌ها" و "تشبیه‌های" قرآن‌کریم از دو مترجم قرآن، کازیمیرسکی و حمیدالله پرداختیم. پژوهش ما بر پایه تحلیلی استوار بوده و پیکره آن را ۱۰ آیه دارای دو آرایه موردنظر تشکیل داده است. این مطالعه ترجمه‌پذیری "استعاره‌ها" و "تشبیه‌ها" و همچنین شیوه‌های انتخابی این دو مترجم در ترجمه را بر ما روشن ساخت. از آنجایی که هدف ما مطالعه دو آرایه در ترجمه‌های فرانسوی زبان قرآن بود، لذا از تفاسیر مختلف قرآن‌کریم به عنوان مرجع، استفاده کردیم؛ تا معنای آیات و توضیحات ضروری را به روشنی ارائه دهیم. در این مسیر به مشکلاتی از جمله کمبود نظریه در باب ترجمه "تشبیه" برخوردیم.

۲–لازم است که در این‌جا به دو پرسش مطرح شده در آغاز این پژوهش پاسخ دهیم. آنچه مربوط به سوال اول است، باید اذعان داشت که آرایه‌های ادبی قرآن، هر چند امریست دشوار، اما ترجمه‌پذیرند؛ چرا که شیوه‌های گوناگونی برای ترجمه آنها وجود دارد؛ از این رو می‌توان آن‌ها را بی آن‌که خللی در معنای اصلی رخ دهد ترجمه کرد. در ادامه به این یقین رسیدیم که مترجم کلام الهی، باید شناخت وسیعی از زبان، فرهنگ، خصوصاً فرهنگ دوران نبوت پیامبر اکرم (ص) و نزول قرآن‌کریم داشته باشد تا مقصود دقیق باری تعالی از آرایه‌های ادبی را درک کند. همچنین توانایی یافتن معادل‌هایی مناسب برای این آرایه ها را دارا باشد، که این نکته به دانش زبانی او ارتباط دارد.

۳–در پاسخ دومین پرسش نیز باید گفت که دو مترجم پژوهش ما، علی‌رغم تفاوتهایی که گاه در به کارگیری شیوه ترجمه آن‌ها مشاهده شد، در برگرداندن آرایه‌ها موفق بوده‌اند. از میان شیوه‌های مختلف ترجمه آن‌ها، اغلب ترجمه تحت اللفظی را به کار برده‌اند، تا صورت آرایه هم، علاوه بر معنا، حفظ شود؛ چراکه به نظر می‌رسد در ترجمه آرایه‌های قرآنی روش

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

ترجمه تحت اللفظی همراه با افزوده‌های تفسیری و توضیحی در صورت نیاز بهتـرین روش است.

پایان کلام این‌که، هیچ‌یک از ترجمه‌های مورد بحث ما و نه هـیچ ترجمـه دیگـری از کـلام حق، کامل و عاری از خطا نیست و راه مطالعه و تحقیق در این دریـای بیکـران همـواره بـه روی پژوهشگران باز است.

۱۰-پی‌نوشت

1-Muhammad Hamidullah

2-Albert Kasimirski

3-Jacques Berque

4-Relire le Coran

5-Mildred L.Larson

6-Peter Newmark

7-Larousse 2011

8-Terence Hawkes

9-Métaphor

10-Martin Boisclair

11-Trahison ou fidélité: l’effet produit chez le lecteur lisant un texte littéraire traduit

12- Meaning-Based Translation

13- Florence Herbulot

14- La Théorie interprétative ou Théorie du sens: point de vue d’une praticienne

15-Méta

16- Approaches to translation

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

۱۱- منابع

* قرآن‌کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ ششم، (۱۳۸۸ش).

۱- ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر، *تفسیر ابن کثیر*، بیروت: دارالکتب العلمیة، (قرن ۸ هـ ق).

۲- بعلبکی، روحی، *فرهنگ عربی- فارسی المورد*، ترجمه محمد مقدس، تهران: امیرکبیر، (۱۳۸۵ش).

۳- امانی، رضا، شادمان، یسرا، «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرایند ترجمه»، *مطالعات قرآن و حدیث*، ، شماره ۲، سال پنجم، (۱۳۹۱ش).

٤- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ترجمه عبدالله صالحی نجف آبادی، قم: ذوی القربی، (۱۳۹۱ش).

۵- پارسایار، محمد، *فرهنگ معاصر فرانسه- فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر، (۱۳۸۵ش).

٦- حدادی، محمود، *مبانی ترجمه*، چاپ اول، تهران: رهنما،(۱۳۸٤ش).

۷- خرمشاهی، بهاء الدین، *بررسی ترجمه‌های امروزین فارسی قرآن کریم*، قم: موسسه فرهنگی ترجمان وحی، (۱۳۸۸ش).

۸- خرمشاهی، بهاءالدین، *رویای ترجمه بی غلط قرآن*، تهران: جاویدان، (۱۳۷٦ش).

۹- خرمشاهی، بهاءالدین، *قرآن پژوهی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، (۱۳۸۹ش).

۱۰- زمانی، بهاره/ امام، عباس، «ترجمه تشبیه در قرآن کریم» ، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه*، شماره ۳٤، سال نهم، (۱۳۹۰ش).

۱۱- طباطبائی، محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۷٤ش).

۱۲-قطب، سید، *تصویرسازی هنری در قرآن*، ترجمه زاهد ویسی، سنندج: آراس، (۱۳۸۸ش).

۱۳- قطب، سید، *ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن*، مترجم / مصحح: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، تهران: آسمان، (۱۳۱۸ش).

۱٤- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، (۱۳۷٦ش).

۱۵-کاظمی اسفه (و دیگران)، ابراهیم، *فرهنگ فرانسه-فارسی*، تهران: رهنما، (۱۳۷۹ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]

۱۶- لازار، ژیلبر، *فرهنگ فارسی-فرانسه*، تهران: مهر ایران، (۱۳۸۱ش).

۱۷-معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*(یک جلدی)، فرهنگ نما با همکاری تهران: کتاب آراد، (۱۳۸۷ش).

۱۸-معلم،مرتضی، *فرهنگ کامل جدید فارسی-فرانسه* (دوجلدی)، تهران: امیرکبیر، (۱۳۸۸ش).

۱۹-مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد، *ویژگی های بلاغی بیان قرآنی*، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، تهران: سخن، (۱۳۸۸ش).

۲۰- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، ۲۷ جلد، چاپ سی ویکم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۳ش).

۲۱- هاوکس، ترنس، *استعاره*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، (۱۳۷۷ش).

۲۲- یاسوف، احمد، *زیبایی شناسی واژگان قرآن*، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، تهران: سخن، (۱۳۸۸ش).

23-***Le Koran***, traduction d'A. Kasimirski, Charpentier, Paris (1840).
24-***Le Coran***, traduction de M. Hamidullah, le club français du livre, (1966).
25-Asad, M. ***The Message of the Qur'an***, Gibraltar: Daral-Andulus, (1980).
26-Berman, Antoine***. Pour une critique des traductions***: JohnDonne, Gallimard, (1995).
27-Boisclair, Martin. «Trahison ou fidélité : l'effet produit chez le lecteur lisant un texte littéraire traduit», ***(M.A. diss.Université Laval)***, (1998).
28-Grigore, George, «La traductibilité de la métaphore coranique», ***Caietele Institutului Catolic II***, page 88, (2001).
29-Herbulot, Florence, «La Théorie interprétative ou Théorie du sens : point de vue d'une praticienne», ***Meta journal des traducteurs / Meta: Translators' Journal***, vol. 49, n° 2, (2004).
30-***Larousse Dictionnaire de français Compact***, Paris, Larousse, (2011).
31-Larson, Mildred, ***Meaning-Based Translation,*** University Press of America, (1998).
32-Mameri, Ferhat, «Le concept de la Littéralité dans la traduction du Coran», Thèse de doctorat, ***Université Mentouri***, Constantine, (2005), en ligne, disponible sur bu.umc.edu.dz

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1397.5.9.5.4]